Original Article Open Access



Child Rights Journal

2023; 4(16): 81-96

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity | The Iranian Association of Medical Law | The Iranian Association of Child Rights

# Inconsistencies in Legislative Criminal Policy of "Child and Adolescent Protection Code" and "Family and Youth Protection Code"

**Mahdi Khaghani Esfahani[1*], Maryam Mohseni[2]**

1. Department of Law, The Institute for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran.
2. University of Religions and Denominations, Pardisan, Qom, Iran.

## ABSTRACT

**Background and Aim:** Paying attention to the interests of children and teenagers in formulating an efficient criminal policy is an important part of rationalization and transformation of the legal system in interaction with science and paralegal institutions that are effective in the efficiency of the criminal policy system. Adopting a differential criminal policy towards children and teenagers, in the areas of preventing their delinquency and victimization, requires legislative change in the first step.

**Method:** The current research is of a qualitative type and the research method is document analysis with a critical approach to two approved laws in the field of family law.

**Results:** Iran's legislative criminal policy in protecting children against delinquency and victimization suffers from goal-based, structure-oriented and function-oriented inadequacies. The two laws criticized in this article have problems in the three mentioned levels.

**Conclusion:** Iran's criminal policy maker, with the approval of the "Law on the Protection of Children and Adolescents" and the "Law on the Protection of the Family and Youth of the Population" in recent years, despite advancing the strategy of differential protection of children, according to the present article, has suffered from inadequacies in the prevention, criminalization, prosecution and punishment of crimes related to children and adolescents. Violation of some rules of criminal liability, lack of attention to the types of prevention and the capacity of actors in charge of each type, failure to respect the hierarchy and separation of powers, orders contrary to social norms and scientific data are some of the challenges raised in this research. The effects of this challenge are discussed, explained and criticized in the articles of the laws. This article, by descriptive analytical method and collecting printed and electronic sources, in the field of protective criminal policy and critical legal criminology, proposes necessary amendments to the two aforementioned laws and a related law.

**Keywords:** Child Victims; Protective Criminal Policy; Disproportionate Criminalization; Critical Legal Criminology; Child Rights

**Corresponding Author:** Mahdi Khaghani Esfahani; **Email:** khaghani1984@gmail.com

**Received:** November 02, 2022; **Accepted:** March 14, 2023

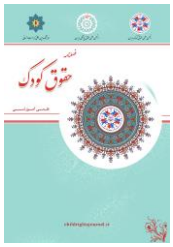
**Please cite this article as:**

Khaghani Esfahani M, Mohseni M. Inconsistencies in Legislative Criminal Policy of "Child and Adolescent Protection Code" and "Family and Youth Protection Code". Child Rights Journal. 2022; 4(16): 81-96.

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12 ]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد



فصلنامه حقوق کودک

دوره چهارم، شماره شانزدهم، زمستان 1401، صفحات 81-96

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

# ناترازی‌های سیاست جنایی تقنینی در «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» و «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»

مهدی خاقانی اصفهانی[1*]، مریم محسنی[2]

1. گروه حقوق، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران.
2. دانشگاه ادیان و مذاهب، پردیسان، قم، ایران.

## چکیده

**زمینه و هدف:** توجه به مصالح کودکان و نوجوانان در تدوین سیاست جنایی کارآمد، بخش مهمی از تعقل و تحول نظم حقوقی در تعامل با علوم و نهادهای پیراحقوقی مؤثر در کارآمدی دستگاه سیاست جنایی به شمار می‌رود. اتخاذ سیاست جنایی افتراقی نسبت به کودکان و نوجوانان، در قلمروهای پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی آن‌ها، در نخستین گام نیازمند تحول تقنینی است. هدف این مقاله، نقد «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» و «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در چارچوب نقد لایه تقنینی سیاست جنایی ایران از منظر جرم‌شناسی حقوقی انتقادی می‌باشد.

**روش:** پژوهش حاضر، از نوع کیفی و روش تحقیق همانا تحلیل اسنادی با رویکرد انتقادی نسبت به دو قانون مصوب در حوزه حقوق خانواده می‌باشد.

**یافته‌ها:** سیاست جنایی تقنینی ایران در حمایت از کودکان در برابر بزه‌کاری و بزه‌دیدگی، دچار نارسایی‌های هدف‌بنیاد، ساختارمدار و کارکردمحور است. دو قانون مورد نقد در این مقاله، اشکالاتی در سه سطح مزبور دارند.

**نتیجه‌گیری:** سیاستگذار جنایی ایران، با تصویب «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» و «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در سال‌های اخیر، به رغم پیشبرد راهبرد حمایت افتراقی از کودکان، به زعم مقاله حاضر دچار نارسایی‌هایی در پیشگیری و جرم‌انگاری و دادرسی و کیفرگذاری در جرائم مرتبط با اطفال و نوجوانان شده است. نقض برخی قواعد مسئولیت کیفری، کم‌توجهی به انواع پیشگیری و ظرفیت کنشگران متولی هر نوع، عدم رعایت سلسله‌مراتب و تفکیک قوا، دستورگری مغایر با هنجارهای اجتماعی و داده‌های مسلّم علمی، رئوس برخی از چالش‌های مطرح در این پژوهش هستند که جلوه‌های این چالش در مواد قوانین مورد بحث، نقد شده و راهکارهای اصلاح عیوب قانونی نقدشده، ابراز شده است.

**واژگان کلیدی:** کودکان بزه‌دیده؛ سیاست جنایی حمایتی؛ جرم‌انگاری ناموازن؛ جرم‌شناسی حقوقی انتقادی؛ حقوق کودک

**نویسنده مسئول:** مهدی خاقانی اصفهانی؛ **پست الکترونیک:** khaghani1984@gmail.com

**تاریخ دریافت:** 1401/08/11؛ **تاریخ پذیرش:** 1401/12/23

**خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:**

Khaghani Esfahani M, Mohseni M. Inconsistencies in Legislative Criminal Policy of "Child and Adolescent Protection Code" and "Family and Youth Protection Code". Child Rights Journal. 2022; 4(16): 81-96.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12 ]

## مقدمه

کودکان، سرمایه‌های اصلی جوامع هستند و آینده یک کشور وابسته به نوع حمایت، تربیت، آموزش و نگهداری از آنان رقم خواهد خورد. از آنجایی که کودکان از نظر روانی ـ اجتماعی، از اقشار آسیب‌پذیر جامعه هستند، می‌بایست مورد توجه بیشتری قرار گیرند. از این روی برخورداری از یک سیاست جنایی و حمایت کیفری متناسب با شرایط و وضعیت کودکان و نوجوانان می‌تواند جامعه را در جهت پیشبرد اهدافی نظیر پیشگیری از وقوع جرائم، بزه‌کاری و بزه‌دیدگی افراد در آینده کمک کند و با گسترش دانش و تغییرات فرهنگی، توجه علوم انسانی نظیر حقوق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی بیش از پیش به اطفال معطوف گردیده است.

حقوقدانان و سیاستمداران به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های صاحب‌نظر در جوامع، سعی داشته‌اند که با وضع قوانین به احقاق حقوق کودکان بپردازند و می‌توان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سازمان ملل را اولین اقدام بهبود جایگاه انسان مشتمل بر بزرگسال و کودک نامید. گام مؤثر بعدی در تمرکز بر احقاق حقوق کودکان، تصویب کنوانسیون حقوق کودک است که ملت‌ها و دولت‌ها را به رعایت حقوق کودکان متوجه می‌سازد. تمام جوامع نیز همسو با جامعه جهانی، سعی دارند تا ضمن توجه به حساسیت در زمینه مسائل اطفال، در حد توان، به وضع قوانین در جهت حمایت از حقوق کودکان بپردازند. در ایران نیز از این موضوع مستثنی نبوده و تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوان مصوب 1399 و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب 1400، حاکی از توجه قانونگذار به حقوق کودکان می‌باشد. در این راستا قانونگذار، به کودکان به عنوان افرادی آسیب‌پذیر می‌نگرد که بیش از بزرگسالان در معرض خطر «بزه‌دیدگی» قرار دارند که «کودک‌آزاری» یکی از انواع آن است.

کودک‌آزاری پدیده جدیدی نیست و سابقه طولانی و قدمتی تقریباً معادل تاریخ بشر دارد. این موضوع به لحاظ آینده‌سازبودن کودکان و تأثیر هر نوع آزاری بر شکل‌گیری شخصیت آنان حائز اهمیت می‌باشد. از این روی تلاش دولت‌ها بر این است که با تصویب قوانین، زمینه رشد کودک‌آزاری را محدود نمایند. بنابراین از جمله نکات مهم مواجهه با معضل کودک‌آزاری و پیشگیری از آن، رویکرد حقوقی ـ کیفری از نظرگاه سیاست جنایی می‌باشد.

سیاست جنایی تقنینی به مثابه یکی از شاخه‌های سیاست جنایی، می‌بایست تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های فردی ـ اجتماعی بوده و حامی منافع و مصالح جامعه باشد (1) و مطابق با تغییرات اساسی جامعه و نظام سیاسی، دستخوش تحول می‌گردد. این بخش از سیاست، مربوط به تدابیر تصویب‌شده توسط دولت است که مد نظر ما در این پژوهش، حقوق کودکان می‌باشد. بر این اساس، ویژگی‌های پیشگیری از جرم را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: نخست آنکه اثرگذاری بر عوامل و فرایندهای مؤثر بر بروز بزه‌کاری دارد؛ دوم کلان‌بودن و اجتماعی بودن تدابیر است؛ سوم آنکه اعمال تدابیر در مرحله قبل از وقوع جرم صورت می‌پذیرد؛ چهارم به قهرآمیزنبودن ماهیت تدابیر دلالت دارد. همچنین سیاست جنایی دارای شاخه‌ها و شقوق مختلف است.

در حوزه کودک‌آزاری پژوهش‌های متعددی صورت پذیرفته که از جمله این موارد پژوهشی با عنوان «تبیین خلأها در زمینه مقابله با کودک‌آزاری با تأکید بر لزوم پیروی از اسناد بین‌المللی» می‌باشد که توسط رشنو (1400 ش.) صورت گرفت و یافته‌های پژوهش نشان داد جایگاه و کرامت کودک و مسئولیت افراد بالغ نسبت به او


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12 ]

ایجاب می‌نماید جهت فراهم‌آوردن حداقل حقوق اساسی برای او تلاش کنیم. بنابراین شناسایی وضعیت مخاطره‌آمیز در رابطه با کودکان در شرایط حاد نگهداری، مهم هستند و کاستی‌هایی نظیر وجود خشونت قانونی و نهادینه شده که مقنن ایرانی (همان تجویز تنبیه فیزیکی و روحی برای کودکان)، قانونی‌دانستن کار کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال می‌باشند. مقاله خانی (1400 ش.) تحت عنوان «سیاست کیفری ایران در قبال کودک‌آزاری» نیز درصدد واکاوی اهتمام کلیه نظام‌های حقوقی در صیانت از کودکان در برابر آزارها و صدمات دارای آثار سوء و زیانبار وارده بر کودکان است که در دو بخش مسئولیت کیفری و مدنی متبلور می‌گردد و قانونگذاران درصددند ضمن اینکه قوانینی که در حال حاضر برای کودکان بزه‌دیده وجود دارد را اصلاح کنند؛ قوانین خاصی که حقوق شکلی و ماهوی مطابق با واقعیت‌های اجتماعی دارند را نیز تدوین نمایند. این امر از یک جهت رویکرد افتراقی حمایتی مطابق با استانداردهای بین‌المللی نسبت به حقوق کودکان بزه‌دیده را دربر دارد و از جهت دیگر آسیب‌پذیری کودکان در برابر رفتارهای خشن و گسترش جرائم را در نظر گرفته است. شمشیری (1399 ش.) در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی حقوقی کودک‌آزاری در حقوق ایران و مستندات بین‌المللی» به این نتایج رسیده است که چهار محور تعویض طفل، مخفی‌کردن طفل و آدم‌ربایی، سوءاستفاده از کودکان در کار و سوءاستفاده از آنان در تکدی‌گری نسبت به جرم‌هایی که علیه تمامیت معنوی کودک و علیه آزادی آنان است، توجه سیاست کیفری را به خود جلب کرده است. همچنین نقش و جایگاه کودکان اهمیت ویژه در اسناد بین‌المللی ایجاد کرده است. پژوهش کیقبادی (1394 ش.) تحت عنوان «سیاست جنایی تقنینی ایران در پیشگیری از کودک‌آزاری» نیز حاکی از آن است کنار سازوکارهای قانونی و کیفری، اقدام‌های غیر کیفری مهم هستند و بدون این اقدامات، سیاست‌های پیشگیرانه حقوق کودک مؤثر نخواهد بود که از جمله این موارد، لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان است و همکاری مراجع خدماتی، حقوقی، روان‌شناسی و مددکاری، از جمله این موارد می‌باشد.

با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در حیطه کودک‌آزاری، خلأ پژوهشی با تأکید بر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت به طور همزمان و با دیدگاه سیاست جنایی تقنینی احساس می‌شود که مشخص شود نقاط ضعف یا ابهام قوانین مرتبط با اطفال و نوجوانان چه می‌باشد. از این روی در پژوهش حاضر برآنیم تا ضمن تمرکز بر محورهای قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، به ارزیابی موارد مرتبط با حمایت پیشگیرانه در قبال کودک‌آزاری بپردازیم تا از این طریق، گامی جهت شناسایی و رفع چالش‌های حمایت پیشگیرانه سیاست جنایی تقنینی در قبال کودک‌آزاری برداریم.

## روش

پژوهش حاضر، از نوع کیفی و روش تحقیق همانا تحلیل اسنادی با رویکرد انتقادی نسبت به دو قانون مصوب در حوزه حقوق خانواده می‌باشد.

## یافته‌ها

**1. تحولات مفومی کودک و بزه‌دیدگی او:** پژوهش در هر موضوع، در اولین گام نیازمند احاطه بر مفاهیم بنیادین و شناخت معنای واژگان کلیدی آن حوزه می‌باشد. علیرغم اینکه در بسیاری موارد مقنن، ماده قانونی را با توجه به احکام اسلامی استخراج می‌کند، اما در برخی مواقع تفاوت معنای لغوی مفاهیم، ایجاد ابهام


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12 ]

نموده است، لذا برای رسیدن به اشتراک معنایی به بررسی واژه طفل پرداخته می‌شود.

طفل در لغت به بچه، کودک، نوزاد و جمع آن اطفال، اطلاق می‌شود و کودک به معنی کوچک، صغیر، فرزندی که به حد بلوغ نرسیده و جمع آن کودکان است. طبق کلیاتی که در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان 1399 آمده است، طفل به هر فردی که به سن بلوغ شرعی نرسیده، می‌گویند و نوجوان به فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است، اطلاق می‌شود. همچنین این قانون حمایتی، تمام افراد زیر 18 سال اعم از کودک و نوجوان را شامل می‌شود. از منظر قانون مدنی طبق تبصره 1 ماده 1210 قانون مدنی «سن بلوغ در پسر را 15 سال تمام قمری و در دختر 9 سال تمام قمری دانسته است» و طفل طبق تبصره 1 ماده 304 لایحه آیین دادرسی کیفری مورخه 1390/3/2 «کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است» و طبق کنوانسیون حقوق کودک «کسی است که هنوز سن 18 سالگی را تمام نکرده است»؛ در این قانون افراد زیر 6 سال خردسال 6 تا 12 سال کودک و 12 تا 18 سال را نوجوان می‌دانند. از طرفی کودک یا صغیر در اصطلاح حقوق ایران «کسی است که به لحاظ سنی به رشد جسمانی و روانی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد» (2).

با توجه به تعاریف مطرح‌شده، ملاحظه می‌شود در تعریف طفل، کودک و نوجوان تشتت آرا وجود دارد که ضروری است تعریف واحدی اتخاذ شود تا در تفسیر قانون دچار ابهام نشویم، چراکه این مفاهیم اساسی، خود در قانون تبدیل به اصطلاحاتی می‌شوند که مشخص نمی‌شود که در قالب کدام تعریف اولیه به کار گرفته می‌شوند، از جمله این اصطلاحات، کودک‌آزاری و حمایت قانونی از کودک می‌باشد که در برخی از مواد مورد بررسی به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حقوق، با توجه به نقطه نظر خاص خود، تعاریف متفاوت و متعددی از کودک‌آزاری ارائه داده‌اند. با توجه به پژوهش‌ها و مطالعات صورت‌پذیرفته در جوامع مختلف، می‌توان به نسبی‌بودن مفهوم کودک‌آزاری پی برد، چراکه این واژه در هر مکان و زمانی، طبق شرایط مختلف و ماهیت شخصیتی متفاوت هر فرد، مفهوم و مصادیق خاصی را دربر می‌گیرد. وجه اشتراک آن در تعاریف مختلف این است که هر نوع آسیب جسمانی یا روانی، بهره‌کشی یا سوءاستفاده جنسی و یا رسیدگی‌نکردن به نیازهای اساسی فرد زیر 18 سال به طور تصادفی توسط افراد دیگر کودک‌آزاری نامیده می‌شود.

سازمان بهداشت جهانی نیز، کودک‌آزاری را تهدید یا آسیب جسمی، روانی، بهزیستی و رفاه کودک به دست پدر و مادر یا کسانی که مسئول کودک هستند، تعریف می‌کند (3). در نهایت می‌توان گفت که کودک‌آزاری را هرگونه فعل یا ترک فعلی می‌نامند که موجب آزار جسمی و روحی و ایجاد آثار ماندگار مشتمل بر آثار پنهان و فیزیکی، در وجود یک کودک گردد. کودک‌آزاری می‌تواند در ابعاد جسمی، عاطفی ـ روانی، لفظی، جنسی، اقتصادی یا غفلت تعریف گردد که هر یک دارای مصادیقی هستند که به شرح ذیل می‌آیند: کودک‌آزاری جسمی: مواردی چون زخمی‌کردن کودک، کتک‌زدن، شکستن استخوان، داغ‌کردن، نیشگون‌گرفتن، ایجاد صدمه داخلی مثل خون‌ریزی، سیلی‌زدن، کشیدن موی سر و گوش و کوبیدن سر مواردی از این کودک‌آزاری هستند. کودک‌آزاری روانی ـ عاطفی: مواردی مثل تحقیرکردن، گفتن ناسزا، طردکردن، مسخره‌کردن، دست‌انداختن، سرزنش‌کردن، محرومیت عاطفی، آزار کلامی، برخورد


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12 ]

خشن، ترساندن کودک، کنترل نامعقول و شدید، خشونت با همسر مقابل کودک و هر اقدامی که باعث زجر و آزار روحی کودک شود را شامل می‌شود (4). کودک‌آزاری جنسی: هر نوع تعامل جنسی بزرگسال و کودک و یا تماس جنسی با کودک را کودک‌آزاری جنسی گویند. تعامل جنسی دامنه گسترده‌ای از رابطه جنسی، مجبورکردن کودک به نمایش آلت تناسلی به بزرگسال، تا هرزه‌نگاری کودک و نشان‌دادن آلت تناسلی به کودک می‌باشد. کودک‌آزاری اقتصادی نیز به معنی بهره‌برداری و سوءاستفاده از کودک برای کسب درآمد و ندادن درآمد به کودک است. از مصادیق آن کار اجباری، مجبورکردن کودک به کار بیرون از خانه، الزام به کار درآمدزا در خانه و تکدی‌گری می‌باشند (5).

**2. فراز و فرود قوانین کیفری حامی کودکان در سیاست جنایی ایران:** قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب 1399 ش.)، سوءرفتار علیه کودک و نوجوان را «هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی می‌داند که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد»، مانند حبس، ضرب و جرح، تهدید یا توهین به طفل یا نوجوان وقتی جنبه تأدیبی ندارد، سوءاستفاده جنسی، خودداری از کمک به او یا قراردادنش در شرایط غیر متعارف و سخت. همچنین در قانون اساسی اشاره صریحی به کودکان یا صدمه به آن‌ها نشده است، اما تدوین‌کنندگان به پیشگیری اولیه در خصوص کودک‌آزاری توجه کرده‌اند و شرایط مناسبی اجتماعی را برای همه جامعه در نظر گرفته‌اند، از جمله این موارد بند 3 اصل 3 در خصوص آموزش و پرورش به صورت رایگان برای همه تا آخر دوره متوسطه می‌باشد (6).

با بررسی قوانین قبل یا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قوانینی در حوزه حمایت از کودک و ممانعت از کودک‌آزاری به دست می‌آیند. قانون مجازات عمومی 1304 شمسی اطفال را به سه دسته اطفال زیر 12 سال، اطفال 12 تا 15 سال و 15 تا 18 سال تفکیک کرد. قانونگذار در ماده 38 آورده بود که موارد مربوط به تکرار جرم برای اطفال اجرا نمی‌شود. همچنین در ماده 137 نیز مواردی در خصوص جنایت اضافه نموده بود. قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه‌کار (مصوب 1338 ش.) اولین قانون پیشرفته و جامعی بود که در راستای روش‌های رسیدگی به موارد اتهامی کودک و نوجوان معارض تصویب شد. اولین کانون اصلاح و تربیت در سال 1347 در تهران تشکیل گردید. در این قانون اطفال به سه گروه 6-12 سال و 12-15 سال و 15-18 سال درجه‌بندی شدند.

پس از انقلاب اسلامی ایران نیز قوانین کیفری حمایتی به دو صورت شکلی و ماهوی دچار تغییراتی شدند. به لحاظ شکلی به موجب تبصره ماده 12 قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب 1358، جرائم اطفال در دادگاه جزایی رسیدگی و دادگاه مستقل اطفال منحل شد و رسیدگی به این قبیل جرائم اطفال در دادگاه‌های عمومی انجام می‌شد. همچنین مطابق رأی وحدت رویه شماره 6 تاریخ 23 اردیبهشت 1364 هیأت عمومی دیوان عالی کشور زمانی که اطفال مرتکب جرائمی، مانند جرائم ماده 198 که اصلاح قوانین آیین دادرسی کیفری را دربر دارد، می‌شوند، صلاحیت رسیدگی به آن در دادگاه کیفری شماره 1 و در موارد دیگر دادگاه کیفری شماره 2 می‌باشد و رأی شعبه 11 دیوان عالی کشور نیز طبق موازین تشخیص داده می‌شود. همچنین هنگام فقدان قوانین حمایتی شکلی اطفال و نوجوانان، بازگشت به قانون مجازات عمومی مصوب 1304 مد نظر قرار گرفت (7).


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12 ]

در اسفند 1372 مجلس شورای اسلامی با توجه به اینکه قوانین حمایتی شکلی برای اطفال و نوجوانان نسخ شده بودند، دولت پیشنهاد داد ایران به کنوانسیون حقوق کودک بپیوندد. قانونگذار برطرف‌کردن چنین خلعی، دادگاه ویژه اطفال به عنوان شعبه خاص دادگاه‌های عمومی تشکیل شد (تبصره ماده 8 آیین‌نامه تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در 1373)، ولی مقرراتی که به صورت عام در آیین دادرسی کیفری وجود داشت و این شعب ملزم به رعایت بودند، اطفال معارض با قانون را حمایت نمی‌کرد، لذا در سال 1378 برای اینکه کنوانسیون حقوق کودک نیز اجرا شود، قانونگذار فصل پنجم، باب دوم شامل موارد 219 تا 231 را مختص رسیدگی به جرائم اطفال در نظر گرفت که طبق ماده 219 آن در حوزه‌های قضایی و چنانچه نیاز بود شعبی از دادگاه‌های عمومی برای جرائم اطفال در نظر گرفته شود. به دنبال آن در سال 1381 قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به منظور حمایت از این دسته (اعم از فرد معارض یا بزه‌دیده یا در معرض خطر) تصویب شد که ویژگی‌هایی از حیث حمایت‌های شکلی برای این قشر در مواد 1، 5 و 6 وجود داشت.

در خصوص قوانین کیفری ماهوی برای حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان می‌توان از قانون ثبت احوال 1355 با اصلاحات 1363 نام برد که به منظور حمایت کیفری از ضرورت اعلام ولادت اطفال و شناسنامه طفل، مواد 48، 49 و 51 در نظر گرفته شدند. در سال 1365 نیز قانون حضانت در قالب ماده واحده تصویب شد که ضمانت اجرای کیفری در خصوص دادگاه خانواده است و حضانت کودک به افراد دارای صلاحیت داده شد. در قانون مجازات اسلامی 1370 و 1375 نیز قانونگذار فصل هفدهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی را به «جرائم علیه اشخاص و اطفال» اختصاص داد که در مواد 619، 621، 631، 632، 633 و 646 وجود دارند. به موجب قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست که در 1371 تصویب شد، کودکان بی‌سرپرست از حمایت‌های مالی، فرهنگی و اجتماعی مناسب بهره‌مند شده‌اند.

بنابراین اولین قانون حمایتی کودکان و نوجوانان بزه‌دیده، همان قانون حمایت از کودکان و نوجوانان می‌باشد که در سال 1381 تصویب شد. از مصادیق ماهوی این قانون، مواد 3 و 4 می‌باشند. همچنین ماده واحده کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک مصوب 1380 نیز از جمله مواردی است که بخش 3 این ماده واحده بدترین اشکال کار کودک را برشمرده است. تبصره 2 این ماده واحده نیز ضمانت اجرای کیفری بندهای مزبور را تعیین کرده است (8).

از دیگر قوانین، قانون مبارزه با قاچاق انسان 1383 می‌باشد که به موجب تبصره یک ماده سه این قانون برای حمایت کیفری از کودکان و نوجوانان وجود دارد که اگر فرد قاچاق‌شده کمتر از 18 سال تمام باشد و مرتکب اعمالی از مصادیق فساد فی‌الارض و محاربه نشده باشد، محکوم به حداکثر مجازات این ماده می‌شود.

**3. تأملاتی نقّادانه بر قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت:** قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (مصوب 1400 ش.) به مخاطرات دوران بارداری و آینده نوزاد پس از زایمان، توجه واقع‌بینانه ندارد، همچنین حمایت‌های اغراق گونه‌ای مقرر شده که اجرای آن‌ها با وضع فعلی و آینده‌پژوهی‌های دقیق اقتصادی، با ابهامات سنگینی مواجه است. در این قانون به طور خاص به لحاظ سیاستگذاری حقوقی جمعیتی، مغایرت‌هایی با اصول قانونگذاری و استانداردهای علمی حقوقی قانونگذاری وجود دارد. با توجه به مواد متعدد مرتبط با ممنوعیت اتخاذ تدابیر پزشکی برای بررسی علمی لازم جهت تشخیص ناهنجارهای جنین، اصرار مواد متعددی از


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12 ]

این قانون به عدم بررسی تفصیلی و همچنین اصرار به چشم‌پوشی از وجود قرائن و شواهد احتمال ابتلای جنین به ناهنجاری‌ها، امکان بارداری یک جنین معلول و ناقص‌الخلقه را ایجاد می‌کند.

این قانون به نوعی بدبینی حتی در حد تعیین مجازات برای کشف نارسایی‌ها و ناهنجاری‌های جنین‌ها را مقرر کرده است. این امر شامل تمام متولیان و افراد مرتبط اعم از مادر تا بهورز، بهیار و کادر درمان در خانه‌های بهداشت روستایی، شهرستان، دانشجویان پزشکی، پزشکان عمومی، متخصصان و سیاستگذاران کلان وزارت بهداشت می‌شود، گویی این قانون صرفاً به دنبال ایجاد و تکمیل مرحله بارداری تا انجام زایمان است. همچنین متأسفانه منابع مالی آن‌ها، زیرساخت‌های اجرایی، وجود تعارض با قوانین متعدد موجود کشور و...، از جمله مسائل مبهم و حل‌نشده هستند و مسائل مربوط به تولد در ابهام‌ها و تعارض‌های قانونی، مالی، هماهنگی اجتماعی و رویکردی متعددی وجود دارد. این قانون، مانع بررسی‌های علمی و ضروری برای احترام به استقلال فردی مادر و حق سلامتی جنین و مخالف پیشگیری از ایجاد بحران‌های سلامتی جنینی و کم‌توجه به چشم‌انداز دسترسی به شرایط لازم برای پیشگیری از عسر و حرج در زندگی آینده نوزاد است.

در جرم‌شناسی پیشگیرانه که عرصه‌ای از دانش جرم‌شناسی در قلمرو علوم جنایی است، عوامل و زمینه‌های بزه‌دیدگی و بزه‌کاری قبل از تولد انسان تا لحظه وقوع جرم مطالعه می‌شود. از منظر جرم‌شناسی پیشگیرانه می‌توان این قانون را نقد کرد که با تعیین مجازات برای بررسی علمی متعارف و لازم پیرامون ناهنجاری‌های جنین و تعیین مجازات برای بررسی‌کنندگان اعم از کادر درمان و...، قانونگذار زمینه تولد انسان‌هایی با نارسایی‌های جنینی و مشکلات آینده اجتماعی را ایجاد کرده است.

با توجه به اینکه سماجت در تولد و دورکردن مسئولان در پیشگیری از تولد نوزاد ناهنجار و اکتفا به برخی دستورات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روبنایی نه‌چندان واقع‌بینانه برای کمک به مادر و فرزند متولدشده نمی‌تواند تأمین‌کننده حداقل‌های یک زندگی عادی بر اساس شاخص‌های حقوق بشر باشد. این قانون از منظر بزه‌دیده شناسی حمایتی و جرم‌شناسی پیشگیرانه، زمینه‌های قربانی‌شدن افراد به خاطر مشکلات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، بیماری و... که حاصل تولد پیش‌بینی‌نشده و نبود زیرساخت‌های اجتماعی برای آموزش و اشتغال و زندگی موفق است را به وجود می‌آورد. سماجت قانونگذار بر صرف فرزندآوری و ارائه وعده حمایت‌های مبهم، از جمله نقدهایی است که بر قانون مزبور، از منظر جرم‌شناسی حقوقی انتقادی وارد است. با یادآوری اینکه مسأله تشخیص عسر و حرج زوجه در طلاق، به رغم گذشت بیش از یک قرن سابقه قانونگذاری از مشروطه تاکنون، هنوز حل نشده و پیچیدگی‌های ماهوی و اثباتی این نوع از عسر و حرج، در مقایسه با عسر و حرج نوزاد محتمل به نارسایی‌ها، ساده‌تر است. چشم‌انداز حل چالش‌های عسر و حرج نوزادان ناهنجار مورد غفلت به خاطر محدودسازی اجرای غربالگری، چشم‌اندازی تاریک‌تر و مبهم‌تر از حل مشکلات عسر و حرج‌های ساده‌تر، نظیر عسر و حرج برای زنان در طلاق است. با لحاظ اینکه اکنون این عسر و حرج مربوط به مادر، جنین و خانواده است؛ حال با یک سرپوش‌گذاری تحکم‌آمیز توسط مواد قانون، هدف عدم بررسی علمی در تشخیص عسر و حرج و مادر، جنین و خانواده در صورت ابتلای جنین به ناهنجاری‌ها دنبال می‌شود و این قانون، مجازات سنگینی را برای غربالگری در نظر گرفته است. این در حالی است


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12 ]

که قبل از تعیین یا الغای قانون پزشکی، لازم است ابتدا منافع و مضرات آن بررسی شود، آنگاه در سطح قانونگذاری در خصوص تصویب یا ملغی‌نمودن آن تصمیم گرفت. سماجت قانونگذار بر تولد و وعده مبهم ارائه برخی حمایت‌ها در آینده، زمینه بزه‌دیدگی، قربانی‌شدن و افتادن در ورطه آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کند.

با استناد به آمار سال 1399 و 20 هزار درخواست سقط قانونی (9)، باید توجه داشت فقط به 12 هزار درخواست پاسخ مثبت داده شده و تمامی این 12 هزار نفر هم خروجی‌های غربالگری بودند، یعنی در بدبینانه‌ترین حالت، 12 هزار سقط به خاطر غربالگری رخ‌داده است که اگر بخواهیم غربالگری را محدود کنیم، منجر به تولد 12 هزار کودک بیمار می‌شود. ضعف فاحش سطح دسترسی مادران در مناطق روستایی و حاشیه‌نشین به غربالگری و عدم اطلاع آن‌ها از این‌گونه مراقبت‌ها، باعث نقض حقوق اساسی بشر که مورد تصریح قانون اساسی و تعهدات بین‌المللی واقع شده است، می‌باشد.

در مورد مفاد ماده ۲۳ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» اقداماتی برای حمایت از شیرخوارگاه‌ها و مراکز نگهداری شبانه‌روزی حمایت از کودکان بی‌سرپرست و خیابانی مقرر شده است. بند «ب» این ماده، سازمان بهزیستی کشور را مکلف کرده در مراکز فوق با معرفی از جانب مراکز حوزه‌های علمیه، دست کم یک آشنا به تربیت اسلامی کودک به کارگیری شود. ابهام و ایراد بند قانونی مذکور را باید در عدم استفاده از ظرفیت تعداد زیادی از متخصصان روان‌شناسی، روان‌پزشکی، مددکاری اجتماعی، حقوق خانواده، روان‌شناسی خانواده و رشته‌های مرتبط دانست. بهتر بود در کنار استفاده از «یک نفر آشنا به تربیت اسلامی» ـ که در این ماده، ملاک احراز دقیق هم درج نشده ـ ضابطه‌مندی ساختاری مشخصی هم تصریح نشده است، از ظرفیت متخصصان دانشگاهی تربیت اسلامی کودک در این موضوع هم استفاده می‌شد. همچنین در مفهوم و قلمرو دستاوردهای علمی قابل اتکا به مقوله تربیت فرزند که مقوله بسیار مهمی است، صرفاً یک نفر «آشنا» که معرفی‌شده از حوزه‌های علمیه باشد، کافی دانسته شده است.

به علاوه، بند «پ» ماده ۲۳ قانون مزبور که سازمان بهزیستی کشور را مکلف به برنامه‌ریزی برای تولید محتوای تربیتی، آموزشی، ابعاد معنوی و مذهبی با همکاری حوزه علمیه کرده، در حالی که نهاد مسئول تولید محتوای آموزشی، نهاد ناظر بر تولید این محتوا و نهاد مکلف به کارگیری از این محتوا نیازمند رفع ابهام است.

در مورد بند «ج» ماده ۲۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، یکی از تسهیلات این قانون برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی است که باردار یا شیرده هستند و مقرر کرده وزارت علوم و وزارت بهداشت موظف به ایجاد شرایطی هستند که با داشتن هر دانشجوی مادر دارای فرزند شیرخوار یا باردار، یک ظرفیت به استاد راهنمای وی اضافه شود، اما این مزیت، لزوماً شامل دانشجوی باردار یا شیرده نمی‌شود و ظرفیت افزوده‌شده به استاد راهنمای پایان‌نامه و رساله، به دانشجوی دیگری اعم از دانشجوی مرد یا زن (غیر باردار و غیر شیرده) تخصیص می‌یابد و آن‌ها سهواً مورد حمایت این قانون قرار می‌گیرند. این یک مزیت مالی و پژوهشی برای اساتید محسوب می‌شود، نه برای دانشجوی باردار یا شیرده، حتی اثر منفی بر دانشجوی باردار یا شیرده می‌گذارد، چراکه افزایش ظرفیت استاد راهنما موجب افزایش مشغله‌اش می‌شود و نمی‌تواند زمان کافی برای راهنمایی رساله دانشجوی باردار و شیرده بگذارد.

بر اساس ماده ۲۷ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»، به ازای هر فرزند، ۶ ماه از قانون تعهد پزشکان


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12 ]

کم شده و به مادران باردار و دارای فرزند زیر ۲ سال حق داده که طی بارداری و پس از آن تا دو سال، آغاز طرح پزشکی خود را به تعویق بیندازند. امکان به تعویق‌انداختن طرح پزشکی برای مادر باردار ایجاد شده، اما برای بهره‌مندی ساکنان مناطق محروم از پزشک جایگزین فکری نشده است. با فرض اینکه مادر باردار خودش پزشک متخصص زنان زایمان و یا ماما باشد، اگر برای او جایگزینی پیش‌بینی نشده باشد، مادران بسیاری در آن مناطق از خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های بارداری محروم می‌مانند و دچار آسیب‌های بسیار می‌شوند.

در ماده ۳۲ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»، وزارت راه و شهرسازی و کلیه شهرداری‌ها مکلف شده‌اند بودجه‌ای را از فعالیت تبلیغات محیطی برای افزایش جمعیت قرار دهند. همچنین تبصره ماده ۳۲ مقرر کرده حداقل ۴۰ درصد از یک‌سوم بودجه این تبلیغات با نظارت سازمان تبلیغات اسلامی در اختیار گروه‌های جهادی و مردم‌نهاد دارای مجوز در حوزه ازدواج و خانواده قرار داده شود. این ابهام مطرح است که اگر حداقل ۴۰ درصد است، حداکثر چقدر است؟ در واقع قانونگذار تصریح به حداکثر بودجه ممکن را فراموش کرده و این بدین معناست که می‌شود تا ۱۰۰ درصد از یک‌سوم بودجه را تخصیص داد که در این صورت ممکن است بودجه سایر برنامه‌های تبلیغی را مختل کند. ایراد دیگر این که شیوه خاص جلب مشارکت گروه‌های جهادی و مردم‌نهاد است که به نظر می‌رسد همسو با هنجارهای «سیاست جنایی مشارکتی» نیست. عبارت گروه‌های جهادی و سازمان‌های مردم‌نهاد دارای مجوز در حوزه ازدواج و خانواده، عبارتی مبهم است. آیا گروه‌های جهادی هم باید دارای مجوز باشند؟ اگر چنین است مرجع صدور این مجوز و ضوابط عملکرد و نظارت بر آن، چه نهادی است؟ با توجه به ابهام در مورد فهرست واضح رسمی و مورد انتشار عمومی از سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه ازدواج و خانواده، نگرانی بابت تخصیص بودجه به مراکز صیغه‌یابی و مراکز دارای مجوز از نهادهای متعدد موازی و غیر دولتی به وجود می‌آید. ابهام در این زمینه ممکن است امنیت و ثبات خانواده را با ارائه خدمات و تسهیلات موقت به مخاطره بیندازد.

ماده ۴۶ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در خصوص تولید متون علمی در راستای ترویج اثرات مثبت زایمان طبیعی و بارداری است. همچنین بند «الف» ماده ۴۶ بر لزوم تغییر، اصلاح، تکمیل و به‌روزرسانی منابع آموزشی مربوط به تبیین مضرات سقط جنین و داروهای ضد بارداری و منع زایمان غیر طبیعی تأکید کرده است. ایراد وارد بر بند «الف» این ماده، پیروی از یک پیش‌فرض نادرست علمی است، چراکه سقط جنین را صرفاً دارای مضرات دانسته، همه داروهای ضد بارداری را دارای عوارض دانسته و زایمان غیر طبیعی را ممنوع کرده است، در حالی که از نظر علمی و شرعی در مواردی نه‌تنها ضرر ندارد، بلکه برای سلامتی لازم و ضروری است.

همچنین در مورد ماده 51 قانون مزبور که مبادرت به ممنوع‌کردن اقلام پیشگیری از بارداری، توزیع رایگان یا یارانه‌ای اقلام پیشگیری از بارداری و ممنوع‌کردن توزیع آن‌ها نموده است، نقد وارد است، زیرا این تحدید، مغایر اصل استقلال فردی و مغایر مصالح عالیه کودک و خانواده و جامعه است.

نگاهی به ماده 56 «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» نشان می‌دهد قانونگذار تلاش کرده از طریق جایگزینی رویکرد قضایی به جای رویکرد پزشکی، موارد سقط درمانی را کاهش دهد. جلوه‌های این رویکرد در فرایند رسیدگی به مجوز سقط درمانی، تغییر در ساختار رسیدگی به درخواست مجوز و نیز تشدید تدابیر کیفری مشاهده می‌شود. سیاست جنایی تقنینی حاکم بر رژیم


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12 ]

کیفری سقط درمانی در این قانون، می‌بایست اصلاح شود و نقش پزشکی قانونی در صدور مجوز سقط درمانی پررنگ‌تر شود، وانگهی در ماده 56 به صورت مطلق «مراکز پزشکی قانونی» را مرجع دریافت درخواست دانسته است. این در حالی است که ادامه ماده در خصوص مرجع ارجاع درخواست به کمیسیون سقط قانونی، به «مراکز پزشکی قانونی در مراکز استان‌ها» اشاره کرده است، گرچه پیش‌بینی امکان ارائه درخواست مجوز در کلیه مراکز پزشکی قانونی موجب راحتی مادران خواهد شد، اما از آنجا که مراکز پزشکی قانونی صلاحیت ارجاع موضوع به کمیسیون مراکز پزشکی قانونی مراکز استان‌ها این اختیار را ندارند، محل نقد است.

ایراد دیگر «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»، تعارض احتمالی ماده 56 قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت با قسمتی از ماده 104 قانون مجازات اسلامی است (10). بر اساس ماده 104 ق.م.ا، ماده 622 قانون مجازات اسلامی فصل تعزیرات ـ که ناظر بر سقط جنین از طریق ضرب‌وجرح و آزار و اذیت زن حامله است ـ قابل گذشت اعلام شده است. با توجه به ماده 56 این سؤال مطرح می‌شود که نظر به اینکه ماده 56 به صورت مطلق اعلام کرده سقط جنین همانا دارای جنبه عمومی است، آیا ماده 622 قانون مجازات اسلامی از شمار جرائم قابل گذشت خارج شده یا خیر؟ سیاست جنایی تقنینی در این زمینه، ساکت است و پیش‌بینی می‌شود این «سکوت تقنینی» به «تشتت قضایی» بینجامد. تشتت مورد پیش‌بینی، آنگاه تشدید خواهد شد که توجه کنیم ماده 56 قانون جوانی جمعیت، ابطال پروانه پزشکی را نیز به ضمانت اجراهای کیفری مندرج در ماده 622 قانون مجازات اسلامی افزوده است و ابطال را که با عنایت به ماده 23 قانون مجازات اسلامی ماهیت کیفر تکمیلی اختیاری دارد، به مجازات تکمیلی اجباری یا شاید به مجازات اصلی (در همین دو، هم ابهام وجود دارد) مبدّل نموده است. همچنانکه این نیز مشخص نیست که آیا واژه «تکرار» مندرج در تبصره 4 ماده 56 قانون جوانی جمعیت، همان «تکرار جرم» به معنای ماده 137 قانون مجازات اسلامی است و یا اینکه مراد این بوده که این جرم از جرائم به عادت نیست و با یک‌بار ارتکاب نیز صدق می‌یابد؟ این آشفتگی‌های تقنینی، نوزادان را بیشتر از گذشته بزه‌دیده سقط جنین و صدمات بدنی پس از زایمان غیر بهداشتی و مخفیانه می‌نماید. انباشت آسیب‌های بر نوزادان، از لحظه تولد تا بزه‌دیدگی‌های دوران نوزادی و کودکی و نوجوانی، ضرورت توجه به پژوهش‌هایی را افزایش می‌دهد که تغییرات جمعیتی پرنوسان ـ مانند ایران که در افزایش نرخ موالید در دهه 1360 رکورد جهانی دارد و سپس در راهبردی کاملاً معکوس با شیب تند، در کاهش نرخ موالید در دهه 1390 نیز رکود جهانی دارد ـ را از این منظر که باعث شکل‌گیری قدرت سیاسی می‌شوند و روندهای جمعیتی قابلیت اثرگذاری بر بحران‌های ایدئولوژی ناپویا دارند، تحلیل می‌کنند.

قانونگذار با کارهایی نظیر جرم‌انگاری بعضی رفتارها علیه کودک، از آن‌ها حمایت کیفری نموده است و می‌خواهد با این روش ضریب آسیب‌پذیری آنان را کاهش دهد. بنابراین می‌توان به مواد 619، 631،633 و 712 قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که درباره مخفی‌کردن یا دزدیدن طفل، طفل را به تکدی‌گری واداشتن، ایجاد مزاحمت در اماکن عمومی یا معابر و طفل را در محل بدون سکونت یا هر مکان دیگری رهاکردن اشاره کرد که به صورت افتراقی نسبت به جرائم علیه کودکان جرم‌انگاری شده است (11). از سوی دیگر، در بند «ت» ماده 158 قانون مجازات اسلامی حدودی برای ادب‌نمودن کودکان به وسیله والدین وجود نداشت و


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12 ]

همین مسأله موجب می‌شد که نوعی برخورد سلیقه‌ای به وجود آید و موجب کودک‌آزاری و خشونت شود نیز اجازه ازدواج زیر 18 سالان چنانچه فرد به لحاظ روانی و یا جسمی آماده ازدواج نباشد، می‌تواند مصداقی از خشونت قرار گیرد (12) و به نظر می‌رسد که در جهت رعایت مصالح عالیه کودک لازم باشد درباره سن مسئولیت کیفری، سن ازدواج و سن شروع به کار تعریف مشخص و معینی ارائه کرد، تعریفی که منطبق با شرایط حاکم و مقتضیات روز جامعه باشد (13).

**4. «قانون حمایت از کودکان و نوجوان بی‌سرپرست و بدسرپرست» و «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» در بوته نقد:** در مورد قانون حمایت از کودکان و نوجوان بی‌سرپرست و بدسرپرست (مصوب 1392 ش.)، مشکلاتی وجود دارد که به طور غیر مستقیم بر کژروی جنسی یا بزه‌دیدگی جنسی کودکان تأثیر می‌گذارد. واجدین شرایط سرپرستی در این قانون دختران مجرد، زن و شوهر دارای فرزند و زنان بی‌شوهر را شامل شده است (14). این عمل قانونگذار پیش از قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست سابقه تقنینی نداشته است و از لحاظ روحی ـ روانی و نیز شخصیت‌دهی به کودک در کسب موفقیتش در آینده مفید است، اما خطر تهدیدکننده‌اش این است که چنانچه زنان بی‌شوهر و دختران مجرد بالای 30 سال ازدواج کنند، چه آینده‌ای در انتظار این کودکان است؟ قانونگذاری که فرزندخوانده را در قبال ازدواج مادرخوانده‌اش رها و بی‌حمایت باقی می‌گذارد، زمینه بزه‌دیدگی جسمی و جنسی وی در خانواده و بالتبع در مدرسه را با ترک فعل خود و با عدم سیاستگذاری، فراهم کرده است.

نقدی که به وضعیت سیاست جنایی تقنینی در حمایت از امنیت جنسی کودکان و نوجوانان، نقد بر بند 2 ماده 10 قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب 1399 ش.) است. مطابق این بند، آزار جنسی اگر مجازاتش با عنف نباشد، از توأم با عنف کمتر است و این درست است، اما اگر آزار جنسی با فریب، اغوا، تطمیع و صورت‌های دیگری که می‌بایست «در حکم عنف» درج شود، توأم باشد، مشمول بند 1 ماده نمی‌شود و این شبیه آن است که قانونگذار به شیوه‌ای نامشخص حالت‌های در حکم عنف را مستوجب حبس تعزیری درجه 5 ندانسته و آن را جرم غیر مشدد، ساده و مشمول حبس تعزیری درجه 6 قرار داده است. این در حالی است که در موضوع عنف هم حتی صحیح نیست رضایت شخص زیر 18 سال عامل مؤثری برای کاهش مجازات آزاردهنده محسوب شود. در این مورد سیاست جنایی قانونگذار در خصوص اعتباربخشی به رضایت کودک و نوجوان قابل نقد است (15).

کاستی دیگر در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان 1399، محدودبودن قلمرو جرم‌انگاری انواع بی‌تفاوتی والدین و اولیای قانونی کودکان است. بی‌تفاوتی، طیف گسترده‌ای دارد و تنها دو مورد ـ عدم ثبت نام تحصیلی کودک توسط والدین و عدم گزارش کودک‌آزاری توسط مربیان مهدکودک‌ها ـ جرم‌انگاری شده است (16). بی‌تفاوتی از آسیب‌های اجتماعی مهم است و در نظرنگرفتن تدابیری برای جلوگیری از وقوع آن و یا نادیده‌گرفتنش، مانعی برای پویایی جامعه است. از راهکارهای مهم برای مبارزه با بی‌تفاوتی اجتماعی در کودک‌آزاری، جرم‌انگاری‌نمودن بی‌تفاوتی اجتماعی است و این امر در سطح بین‌المللی نیز مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته است.

چند نقد دیگر که بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب 1399 وارد است مربوط به بند 3 قسمت «چ» ماده 6 و مواد 7 و 9 و تبصره 2 ماده 13 قانون مزبور است. حمایت از اطفال و نوجوانان در گرو اصلاح سازوکار


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12 ]

حمایت حقوقی از حق سلامت و حق تحصیل کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست در ارتباط با این مواد است. با وجود تصریح بند 2 قسمت «ج» ماده 6 قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (مصوب 1399 ش.) به تکلیف تمام مراکز بهداشتی و درمانی در پذیرش و درمان فوری اطفال و نوجوانان آسیب‌دیده و همچنین در خصوص مواردی که نسبت به آزار آنان مشکوک هستند، گزارش کاری به بهزیستی و مراجع قضایی ارسال شود. در این قانون همچنین ضمانت اجرای عدم‌پذیرش اطفال و نوجوانان مراجعه‌کننده به اورژانس در غیر از انتقال مصدوم از صحنه تصادف رانندگی با آمبولانس مشخص نیست.

بند 3 قسمت «چ» ماده 6 که با عبارت «انجام اقدامات لازم جهت ثبت نام و پوشش تحصیلی کامل اطفال و نوجوانان موضوع این قانون تا پایان دوره متوسطه» آمده است، با این چالش رو به روست که ضمانت اجرای عدم تأمین تبلت یا تلفن همراه هوشمند توسط والدین و سرپرستان قانونی برای کودکان جهت تحصیل از طریق فضای مجازی مشخص نیست.

ایراد دیگر آنکه ماده 7 قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب 1399، تنها به جرم‌انگاری امتناع والدین و اولیای قانونی کودکان از ثبت‌نام تحصیل تا پایان دوره متوسطه و امتناع از فراهم‌کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان و یا اقدام به جلوگیری از تحصیل وی پرداخته و مشخص نیست عدم تهیه ملزومات تحصیل مانند وسایل الکترونیکی مورد نیاز برای فراآموزی آنلاین، در قلمرو این جرم می‌گنجد یا خیر.

ایراد دیگر، بندهای ماده 9 قانون حمایت از کودکان و نوجوانان است که برخلاف اصل تناسب جرم و مجازات، بی‌توجهی و سهل‌انگاری نسبت به اطفال و نوجوانان را در صورت منتج‌شدن به شکستگی استخوان (حتی کم‌اهمیت‌ترین استخوان بدن) مستوجب کیفر حبس تعزیری درجه هفت دانسته، در حالی که بی‌توجهی و سهل‌انگاری شدید و مستمر را در صورتی که منجر به آزار جنسی بشود، مستوجب کیفر کمتری (مجازات تعزیری درجه 8) مقرر داشته است. همچنین تبصره این ماده، بی‌توجهی و سهل‌انگاری را در صورتی که توسط والدین طفل یا نوجوان ـ نه افراد دیگری مانند مربی مهدکودک و دیگر اشخاص مسئول نگهداری و مراقبت کودک ـ ارتکاب یابد، قابل کیفر به بیش از حداقل کیفر مقرر برای سهل‌انگاران غیر والدین ندانسته است و این‌گونه حاشیه امن برای پدر و مادر سهل‌انگار و خطرساز برای کودک ایجاد کرده است. چنین تخفیفی برای پدر و مادر سهل‌انگار و بی‌مبالات موجب بزه‌دیدگی کودک از خود قانون می‌شود.

تبصره 2 ماده 13 قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نیز متأسفانه برخلاف قواعد مسئولیت کیفری و لزوم کمتربودن کیفر معاون جرم نسبت به شریک و مباشر جرم، مجازات پزشک و اشخاص مرتبط با امور پزشکی که در ارتکاب جرم خرید، فروش، انتقال، قاچاق اعضا یا جوارح طفل یا نوجوان، معاونت یا شرکت نمایند را در هر دو فرض معاونت در جرم و شرک در جرم، به یک میزان تشدید نموده است. تشدید یکسان کیفر معاون و کیفر مباشر، خلاف قواعد مسئولیت کیفری و مغایر با اصل فردی‌کردن تقنینی کیفرها برحسب نوع مداخله در ارتکاب جرم است.

در ماده ۴۲ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان هم دادگاه می‌تواند تصمیماتی بگیرد و هم البته حضانت، ملاقات و دیگر تأسیسات حقوقی خانواده را در فرض تشخیص مخاطراتی محدود کند و البته شاخص‌گذاری قضایی جهت پیشگیری از تشتت دادگاه‌ها همچنان جزء خلأهای حقوقی در این زمینه است و عدم قانونگذاری و نبود ساماندهی قضایی موجب بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان از


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12 ]

این خلأها می‌شود. وانگهی، کیفر مقرر برای بی‌تفاوتی والدین و اولیای قانونی بر کودکان در فروض مختلف منجر به انواع آسیب، کیفرهایی سست و غیر بازدارنده است و انواع کیفرهای مقرر برای این جرائم نیز کیفرهایی سنّتی و غیرمفید برای بازسازی اجتماعی و آگاه‌سازی والدین است و مغایر مصالح کودکان بزه‌دیده از بی‌تفاوتی اولیای آن‌هاست.

اصلاحات لازم در حقوق ایران برای مقابله با گونه‌های نوپدید کژرفتاری عاطفی ـ جنسی علیه خانواده در گفتمان تصمیم‌سازان حقوق ایران، چندین «بایسته‌های فرایندی ـ موضوعی» را به میان می‌کشد: 1ـ اتخاذ تدابیر پیشگیری غیر کیفری از اَشکال نوپدید کژرفتاری علیه حقوق خانواده؛ 2ـ جرم‌انگاری کژرفتاری‌های خطیر، حقوق‌گذاری برای تمهید قانونگذاری شکلی افتراقی؛ 3ـ زیرساخت‌گذاری منابع انسانی و مادی برای توسعه ظرفیت کشف این آسیب‌ها و پاسخ‌دهی حقوقی بایسته. از این میان، انتظار می‌رود که «سند تحول قضایی» (مصوب رییس قوه قضاییه ـ 1399 ش.)، زمینه گذار از رویکرد رایج بزه‌دیده شناسی بدبینانه نسبت به زنان و دختران بزه‌دیده از جرائم خانگی (که زنان را در ایجاد زمینه بزه‌دیدگی خود مقصر می‌داند و مردان متهم را مستحق حداکثر تخفیف برمی‌شمارد)، به بزه‌دیده‌شناسی حمایتی (رهیافتی که بر حمایت از کلیه بزه‌دیدگان، از جمله بزه‌دیدگان خاص همچون بانوان تأکید می‌ورزد) را ایجاد کند. رفع چالش‌های مذکور در این سخنرانی، گامی در مسیر کاهش بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان از نارسایی‌های قانون مصوب برای حمایت از خود آنان است.

## بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه سماجت در تولد و دورکردن مسئولان در پیشگیری از تولد نوزاد ناهنجار و اکتفا به برخی دستورات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روبنایی نه‌چندان واقع‌بینانه برای کمک به مادر و فرزند متولدشده، نمی‌تواند تأمین‌کننده حداقل‌های یک زندگی عادی بر اساس شاخص‌های حقوق بشر باشد، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت از منظر بزه‌دیده‌شناسی حمایتی و جرم‌شناسی پیشگیرانه انتقادی، زمینه‌های قربانی‌شدن افراد به خاطر مشکلات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، بیماری و... که حاصل تولد پیش‌بینی‌نشده و نبود زیرساخت‌های اجتماعی برای آموزش و اشتغال و زندگی موفق است را به وجود می‌آورد. هدف این قانون، افزایش موالید است؛ حمایت‌های کارشناسی‌نشده و اغراق‌آمیزی که اشکالات ساختاری و اجرایی دارد و با آینده‌پژوهی‌های دقیق اقتصادی چندان همسو نیست و در کنار نقاط مثبت قابل توجهی که دارد، به نظر می‌رسد نیازمند اصلاح از همین بدو اجرا است.

در مغایرت با سیاست کیفری قانون مجازات اسلامی که حمایت از جنین را به هدف پاسداشت و صیانت از خود جنین ملوظ داشته، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، جرم‌انگاری صدمات علیه جنین و تبلیغ سقط جنین و جرائم مرتبط را به هدف ازدیاد توالد و تناسل مورد هدف‌گذاری کیفری قرار داده و این، نشانگر رویکرد ابزاری و ناحقوق بشری قانون مزبور به جنین است. عدم تناسب مداخله کیفری با میزان سرزنش اجتماعی برخی رفتارهای مورد جرم‌انگاری و مورد کیفرگزینی شدید در قانون مذکور نیز از دیگر نقدهای وارد بر این قانون در این مقاله بود. از منظر رابطه حقوق اداری با حقوق کیفری در تنظیم «تخلف ـ پاسخ دولتی» ـ که از روابط اشتقاقی مدل‌های سیاست جنایی است ـ جرم‌انگاری تخلف اداری را در قانون مزبور، از دیگر ایرادها دانستیم، چه طبق ماده 71 این قانون، امتناع مقامات دولتی از اجرای سیاست‌های تشویقی یا تنبیهی، ماهیتاً تخلف است، اما


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12 ]

جرم‌انگاری شده است. توسیع قلرو مصداقی جرم افساد فی الارض، در ماده 61 قانون مزبور، و توسعه جرم‌انگاری به رفتارهای پیش‌تر جرم‌انگاری نشده (جرم‌انگاری تبلیغ سقط جنین در ماده 60 قانون مورد نقد) و امنیتی‌کردن مقوله سقط جنین (ماده 95) که نشانگر گذار از سیاست جنایی اقتدارگرا به سیاست جنایی اقتدارگرای فراگیر است، از دیگر نقدهای وارد به این قانون، از منظر سیاست جنایی و جرم‌شناسی حقوقی انتقادی بود.

نظر به آنکه خلأهای موجود در قوانین کیفری و ایراداتی که در خصوص بی‌تفاوتی نسبت به کودک‌آزاری وجود دارد، پیشنهاد می‌شود دو قانون مورد بحث اصلاح شود تا همه افراد جامعه مکلف به گزارش‌دهی کودک‌آزاری باشند؛ وانگهی امکان گزارش‌دادن همه مردم معطوف به کودک‌آزاری نشود و در مورد همه اقشار آسیب‌پذیر، از جمله سالمندان، معلولین و زنان فراهم شود. همچنین مراکزی برای بررسی درستی و نادرستی گزارش‌های ارسالی جرائم مربوط به کودک‌آزاری ایجاد شود تا تعقیب و ادامه روند قضایی در جهت با اطمینان بیشتری پیش رود. از سوی دیگر، شایسته است مجازات مرتکبین کودک‌آزاری افزایش یابد تا بازدارندگی بیشتری در سطح فردی و اجتماعی داشته باشد. نیز شایسته است در حوزه خانواده، مداخلات پیشگیرانه هوشمندتری، به نحوی که معارض ولایت قهری والدین بر اولاد و زوج بر زوجه و ملاحظات فرهنگی و سنّتی جامعه ایرانی به وجود آید و اگر نیاز شد یا احتمال خطری برای کودک احساس شد، او را به سرعت از آستانگی بزه‌دیدگی خارج کنند.

## ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

## تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

## تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12 ]

## References


1. Akhundi M. Criminal Procedure Code. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications; 2014. p.92. [Persian]

2. Hajitabar Firouzjaei H. Differential Supportive Victimology. Tehran: Javadaneh and Jangal Publications; 2012. p.12. [Persian]

3. Available at: https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/child-maltreatment.

4. Zeynali A. Process and Mechanisms of Reflecting and Receiving the Principle of Special Protection for Children in Criminal Law, Encyclopaedia of Criminal Sciences. Tehran: Mizan Publishings; 2012. p.108. [Persian]

5. Williams F, Shin M. Theories of Criminology. Translated by Malek Mohammadi HR. Tehran: Mezan Publishing; 2012. [Persian]

6. Salahi J. Juvenile Delinquency. 8th ed. Tehran: Mizan Publication; 2010. [Persian]

7. Bigi J. Juvenile Victimization. 2nd ed. Tehran: Mizan Publications; 2010. [Persian]

8. Moazen Zadegan HA. Evolution of criminal laws protecting children and adolescents in Iranian law. The Judiciary Law Journal. 2008; 72(62-63): 15-40. [Persian]

9. Available at: https://www.khabaronline.ir/news/1653939/.

10. Khaghani Esfahani M. Capacity Assessment of the Judicial Bill "Securing Women against Violence" in Consolidating Children's Right to Health. Women Studies. 2020; 11(33): 91-109. [Persian]

11. Khaghani Esfahani M, Mohamadi G. Preventive Strategies towards Victimization of Labor Childeren; Activity-Based Pattern. Child Rights. 2019; 1(2): 23-43 [Persian]

12. Ale Buyeh A, Alasvand F, Kabiri Z. A Critical Study of Radical Ecofeminism on the Legality of Abortion; Morally Viewed. Pazhuhesh Name-e Akhlagh. 2018; 11(42): 95-112. [Persian]

13. Ansari S. Awareness of Child Sexual Abuse and Preventive and Coping Strategies for Parents and Careers of the Children. J Except Educ. 2018; 4(153): 25-32. [Persian]

14. Hoseini E, Shamloo B. The Right to Mental Health of Juvenile Delinquent in the Light of Differential Criminal Justice. Legal Research Quarterly. 2021; 23(92): 71-96. [Persian]

15. Rizvani Joybari N, Heydari M. Criticism and Investigation of Indifference towards the Crime of Child Abuse (A Comparative Study of the Criminal Laws of Iran and the State of Texas, USA). Journal of Law and Politics. 2018; 15(3): 31-50. [Persian]

16. Salehi H, Esmaelipour M. Contemplation on the Child Abuse Act with an Emphasis on the Protection of Children and Adolescents in 1381. Biannual Journal of Family Law and Jurisprudence. 2014; 19(61): 117-142. [Persian]


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-12 ]


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.